

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

واسیلی متروخین

مترجم: احمد ضیاء رهگذر

۰۳.۰۵.۰۹

## ک. ج. ب. در افغانستان

کودتای سپتمبر

پ. یو. دراگیالیس (اسم رمزی یا اجنتوری: روموف) <sup>۱</sup> مشاور شخصی امین در امورات مالی و برنامه ریزی، از امین به عنوان یک شخص با استعداد و خردمند اما ظالم و جاه طلب یاد میکرد. او میگفت امین مایل است تا قدرت را در دست خود متمرکز سازد. روابط او با امین دوستانه بود. او به امین از سوابق کاریش یادآور شده بود که چگونه در زمان کارش به عنوان نماینده دایمی جمهوریت سوسیالیستی لتوانیا در شورای وزیران شوروی با رهبران بلند پایه شوروی ملاقی شده بود. امین از او پرسیده بود "آیا به رفیق کاسیگین هم گزارش داده بودی؟" و زمانیکه در اگیالیس پاسخ مثبت داده بود امین برایش گفته بود: "پس شما بزرگترین انسان در افغانستان هستید!". زمانیکه موضوع پیشرفت و ترقی افغانستان مطرح میبود امین میگفت میخواهد از تجارب کشور منگولیا در این مورد استفاده کند. او اینطور استدلال میکرد:

"در مرحله حاضر ما به یک طفل قبل از وقت تولد شده شباهت داریم که باید در مقابل عفونت هر نوع مرض سرمایه داری و راه رشد سرمایه داری وقایه شویم. ما هنوز در آغاز راه قرار داریم و هنوز خیلی زود است تا به سرمایه گذاری خصوصی در کشور اجازه دهیم. پیشرفت افغانستان را مانند پیشرفت یکی از جمهوریت های شوروی تصور نمائید، تصور کنید اینجا جمهوریت شانزدهم اتحادشوروی است".

باری در جولای ۱۹۷۹ امین موضوع دارائی های افغانستان که در بانکهای خارجی موجود بود، را مطرح کرد. "از آنجائیکه شما مشاور من هستید میخواهم موضوعی را با شما مطرح کنم. ما چهار صد میلیون دالر در بیست بانک شخصی در کشور های مختلف ذخیره داریم. این پولها را صرف زمانی میشود از بانکها به دست آورد که روی چکها امضاء سه شخص صاحب صلاحیت موجود باشد. این سه شخص صاحب

<sup>۱</sup> P.Yu.Dragyalis (code name: Romov).

صلاحیت که در خارج زندگی میکنند ممکن از این صلاحیت شان استفاده نموده پولها را به دست آورده ما را بدون پول بگذارند، که البته ما این را اجازه نمیدهیم. آیا ممکن است طوری شود که فقط من امضاء نموده پولها را به دست آورم؟" در اینجا امین مکئی کوتاهی نموده ادامه داد " البته اگر من به صفت صدراعظم امضاء نمایم؟ ". زمانیکه از امین به طور مشخص در این مورد پرسیده شد که آیا این پولها مربوط او میشود و یا دولت؟ او در جواب گفت:

دولت. " اما چطور میتوانیم این پولها را به دست آوریم؟ ". امین از درآگیالیس تقاضا نمود تا راه حلی را دریابد که او بتواند از امضای خودش به عوض امضاء های آن سه تن استفاده نماید. درآگیالیس چنین نتیجه گیری نمود:

" اگر فرض کنیم که امین واقعاً میخواهد این چهارصد میلیون دالر را به هر وسیله ممکن به دست آورد در آن صورت من و شخص مترجم هر دو شاهد تطبیق پلانهای خطرناک یک شخص ماجراجو خواهیم بود".

"ک.ج.ب." این حرفهای امین را خیلی عجیب تلقی نمود. آیا واقعا امین قصد دارد این پولها را به دست آورده، فرار نماید؟ در واقعیت امین بالاتر از آنچه که "ک.ج.ب." او را تصور میکرد، از آب درآمده بود.

دوست [شاه محمد دوست] ( اسم رمزی یا اجتنوری: پیرئس<sup>۱</sup> ) در جریان ملاقاتهایش مکرراً این موضوع را مطرح میکرد که این فقط نظرات و خواسته های یک یا دو نفر است که بالای همه حزب تسلط دارد و سایرین کورکورانه به تعقیب شان روان اند. او پیشنهاد مینمود که تا امین، به حمایت تره کی به یک کار کم اهمیت تری گماشته شود و یا هم اصلاً به تقاعد سوق داده شود.

نماینده گی "ک.ج.ب." و ریزیدنسی هردو به صورت روزافزون پیشنهادات زیادی را در این مورد به دست میآوردند. آنها اکثراً درباره آن حوادث و رویداد های زندگی امین معلومات به دست میآوردند که به نامبرده صدمه وارد میکرد.

نماینده گی "ک.ج.ب." و ریزیدنسی تصمیم گرفتند به جمع آوری اطلاعات ذیل ادامه دهند:

امین زمانیکه در امریکا زندگی میکرد روابط دوستانه با یکی از مخالفین کمونیزم ن. پژواک وزیر سابق تعلیم و تربیه که از جمله دوستان قدیمی دوران محصلی اش بود، داشت. آنها محافل متعدد میگساری با هم داشتند. امین در برگشت از امریکا در اروپا توقف نمود تا با علی احمد پوپل سفیر افغانستان در بن و نماینده امپریالیزم ملاقات نماید.

در کابل امین عادت داشت با سرور ناشر رئیس شرکت سهامی سپین زر که با ظاهر شاه در تماس بود، ملاقات نماید. ناشر همان شخصی بود که به امین در مبارزه انتخاباتی اش مساعدت مالی نموده بود. بعد از کودتای ثور امین ناشر را از حبس رها نموده برای موصوف یک موتر با راننده تدارک نمود.

در یکی از اطاقهای مخصوص هتل سپین زر امین با جنرال جیلانی طوطاخیل و یک امریکائی که هویتش فاش نشده است ملاقات نمود.

امین به پیشنهاد تره کی نامزد عضویت در کمیته مرکزی "ح.د.خ.ا." گردید که این موضوع مخالفت ببرک را در پی داشته، باعث تبادل آتش بین طرفین شد. در همین ارتباط امین ببرک را با تفنگچه تهدید نمود.

<sup>۱</sup> Piers. شاه محمد دوست معاون وزارت امور خارجه.

امین در سال ۱۹۷۸ در نیویارک با حسین پیوند که خانم امریکائی داشت ملاقات نمود. پیوند دشمن احزاب کمونیست هند، پاکستان، عراق، حزب توده<sup>۲</sup> و سازمان آزادی بخش فلسطین است.

در ماه جون سال ۱۹۷۹ ی.گ. بولاخ رهبر هیأت تجارتي شوروی در افغانستان با ی.پ. میدیانیک<sup>۳</sup> معاون بخش استخبارات خارجی "ک.ج.ب." ملاقات نمود. موصوف نظرات افسران بلند پایه شوروی در کابل را مبنی بر ضرورت وارد نمودن تغییرات اساسی در رهبری سیاسی کشور، بیان نمود. مرحله اول حرکت به این جهت شامل برکناری امین از قدرت و ایجاد فضای اعتماد و حسن نیت در تمام سطوح اقتصادی و حزبی میشد.

از آنجائیکه پرچمیها تجربه دولتمداری را دارند میتوانند نقش مهمی را در این مرحله اجراء کنند. "پرچمیها احتمالاً میتوانند با مردم از جمله با روحانیون کنار بیایند. وظیفه مهم شهروندان اتحاد شوروی در افغانستان اینست که تا اطمینان حاصل کنند که افغانستان به عنوان یک همسایه خوب با حفظ دوستی عنعوی و روابط نیک با شوروی باقی بماند". ایوانوف و اوسکادچی تلگرامی را به مسکو فرستادند که در آن از ملاقات ترون سریاور تره کی با ویسلکوف آمرمشاورین شوروی در افغانستان ذکر به عمل آمده بود. این ملاقات به تاریخ شانزدهم جون ۱۹۷۹ در

منزل ویسلکوف صورت گرفته بود. ترون در این ملاقات از تشکیل یک گروه که بر علیه امین ایجاد شده بود، اطلاع داد. این گروه توسط وطنجار وزیر دفاع، گلابزوی وزیر مخابرات، شیرجان مزدوریار وزیر امورداخله و سروری<sup>۱</sup> رئیس آگسا تشکیل شده بود. این افراد درباره اوضاع کشور به تره کی گزارش داده بودند که این موضوع باعث انتقاد امین گشته بود زیرا امین توقع داشت تا وزرای فوق الذکر باید به او که رئیس شورای وزیران بود گزارش میدادند نه به تره کی. سروری در ملاقاتش با ل.پ. بودگانوف امین را مورد انتقاد قرار داده بود. ایوانوف و اوسکادچی در تلگرام شان این نظر را مطرح کرده بودند که "برای ما در شرایط فعلی بهتر این خواهد بود تا از تره کی حمایت کنیم. زیرا تره کی از دریافت نمودن مکتوبیکه توسط بیروی سیاسی کمیته مرکزی "ح.ک.ا.ش." برایش فرستاده شده بود قدردانی نموده است. موصوف این نامه را به مثابه کمک مستقیمی تلقی میکرد که او را در امر ساختن رهبری مشترک و همگانی در "ج.د.ا." یاری میرساند". در نامه ای که دقیقاً یک ماه بعد توسط ایوانوف و اوسکادچی در ارتباط به موضوع رهبری در افغانستان به مسکو فرستاده شده بود، آمده بود:

"هنوز از رهبری مشترک خبری نیست. تره کی و امین به شکل مستقلانه و بدون مشوره با سایر اعضای کمیته مرکزی "ح.د.خ.ا." به تصمیم گیری میپردازند. س.گلابزوی و علی شاه پیمان قومندان گارد علناً از امین اظهار نارضایتی میکنند". آنها "ایوانوف و اوسکادچی" به این باور بودند که امین میخواهد قدرت را غضب کند. امین همچنان با طرح مسوده قانون اساسی و ایجاد شورا های مردمی (انقلابی) مخالفت میورزد. او نامه ای که کمیته مرکزی "ح.ک.ا.ش." عنوانی رهبران افغان فرستاده بود را تلاشی میداند که از جانب شوروی در جهت محدود ساختن صلاحیتهایش و آزادی عمل او در مبارزه بیرحمانه او در مقابل دشمنان انقلاب صورت میگیرد. امین میخواهد

۲

حزب کمونیست ایران. (ویرایشگر)

Yu.G.Bulakh & Ya.P.Medyanik.

اسد الله سروری عضو جناح خلق "ح.د.خ.ا." در اکتوبر ۱۹۷۹ با اسد الله امین برادرزاده امین تعویض گردید. موصوف در دسمبر ۱۹۷۹ به مقام معاون رئیس جمهور و معاون صدراعظم تعیین گردید ولی دیری نگذشته بود که به عنوان سفیر به منگولیا فرستاده شد. (۱۹۸۰ - ۱۹۸۶).

تا افراد مورد اعتماد خود را در مسکو داشته باشد. در بیرونی سیاسی کمیته مرکزی "ح.د.خ.ا." امین از حمایت دو عضو از جمله پنج عضو (به استثنای امین و تره کی) شاه ولی و م.سوما<sup>۲</sup> برخوردار است. به همین ترتیب موصوف در کمیته مرکزی از حمایت چهارده عضو از جمله سی عضو و بالاخره در دولت از حمایت یازده عضو از جمله سیزده عضو برخوردار است. بدین ترتیب اوسکادچی و ایوانوف چنین نتیجه گیری نمودند که "بهبود بخشیدن شرایط در حلقه رهبری "ح.د.ا." بیشتر به تره کی وابسته است. زمانی میتوان اصلاحات را وارد حلقه رهبری نمود که شیوه رهبری مشترک پذیرفته شده و از این آرزوی امین که به تنهایی کشور را اداره کند ممانعت صورت گیرد. نکته مهم دیگر اینکه امین از ایجاد روابط مثمر با سفیر پوزانوف قاصر آمده است. معلوم نیست چرا امین به پوزانوف اعتماد نمینمود.

در اول سپتامبر ۱۹۷۹ "ک.ج.ب." نظرش را در باره غالب آمدن بر اوضاع بحرانی در افغانستان به مقامات بالائی ابراز نمود. در این یادداشت آمده بود که دولت تره کی و امین عملاً اعتبارش را نزد مردم این کشور از دست داده، مردم به طور روزافزونی روحیه ضد شوروی را اختیار میکنند. نماینده های شوروی در سطوح مختلف به تره کی و امین پیشنهاد نمودند که جهت ایجاد یک دولت با قاعده وسیع اجتماعی باید با توده ها کار بیشتر صورت گیرد، ولی آنها این پیشنهادات را کاملاً نادیده گرفتند. تره کی و امین در امر حل و فصل مشکلات داخلی، کاملاً به قوای مسلح تکیه نموده اند. آنها به مجازات ناحق مردم، آنهم به شکل کتله ئی ادامه میدهند. در واقعیت طراح اصلی این سیاستها شخص امین است.

#### در این یادداشت پیشنهادات ذیل ارائه گردیده بود:

اول: از آنجائیکه امین دنباله رو سیاست نادرست داخلی بوده است باید راه های دریافت گردد تا بتوان او را از مقام رهبری کشور کنار زد. او باید شخصاً در ارتباط به مجازات نمودن غیر قانونی توده ها و عدم شایستگی در سیاست داخلی مقصر شناخته شده، محاکمه گردد.

دوم: تره کی را باید در امر ساختن یک دولت ائتلافی ترغیب نمود. در این دولت باید نماینده های روحانیون، اقوام ساکن در کشور، اقلیتها و روشنفکران حضور داشته باشند و نقش رهبری را باید "ح.د.خ.ا." به شمول پرچمها به عهده داشته باشند.

سوم: زندانیان سیاسی که به شکل غیرقانونی دستگیر شده اند - به طور اخص پرچمها - باید از حبس آزاد و اعاده حیثیت گردند.

چهارم: باید یک ملاقات غیررسمی را با رهبر جناح پرچم، بیرک کارمل که در جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا پناهنده شده است، ترتیب داد. با او باید روی چگونگی آوردن ثبات در اوضاع سیاسی داخلی در جمهوری دموکراتیک افغانستان تبادل نظر صورت گیرد<sup>۱</sup>.

۲

محمود سوما وزیر تحصیلات عالی و مسلکی. (مؤلف)

و بیلیاک منشی کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکیا در صحبت با سفیر شوروی در مورد بیرک کارمل چنین گفت: با او رفتار انساندوستانه صورت گرفته، برایش مکانی برای بود و باش مهیا نموده ایم ولی از او تعهد گرفته ایم که به هیچ نوع عملی بر ضد دولت کنونی افغانستان دست نزنند. مشاهدات ما نیز اینرا تصدیق میکند که او به وعده اش پایبند بوده است. او با مؤسسات طباعتی ما قرار بسته تا (درسهای از انکشاف بحرانات ..... ) را به دری ترجمه نماید. مؤلف.

پنجم: باید یک گروه احتیاط رهبری حزب تشکیل گردد تا بتوان در صورت بحرانی شدن اوضاع از آن استفاده نمود.

از بعضی از این پیشنهادات به حیث شالوده موضوع مورد بحث در ملاقات بین تره کی و برژنف (دهم سپتمبر ۱۹۷۹) استفاده گردید.

به هاوانا [ دولت کیوبا ] هدایت داده شد تا با تره کی دیده برایش بگویند که به منظور یک ملاقات مهم با برژنف در راه برگشت به افغانستان، در مسکو توقف نماید. ملاقات برژنف با تره کی در دهم سپتمبر صورت گرفت. برژنف در جریان این ملاقات یادداشتی را که "ک.ج.ب." نوشته و توسط اندروپف، اوستینوف<sup>۲</sup> و گرومیکو تصویب و تأیید گردیده بود به سمع تره کی رسانید. در این یادداشت از نگرانی رهبری شوروی در ارتباط به اوضاع در افغانستان، حزب و رهبری آن ذکر به عمل آمده بود. نکته اصلی یادداشت مذکور این بود:

" رفیق تره کی! من تا زمانی مسؤولیت ام را در برابر شما تکمیل شده نخواهم دانست که از یک موضوع نهایت مهم یاد نکنم. این موضوع تنها مایه نگرانی رفقای شوروی شما شده است بلکه قرار معلومات ما، باعث نگرانی اعضای "ح.د.خ.ا." نیز گردیده است.

رفیق تره کی! نقش خاصی را که شما در شرایط خاص انقلابی در افغانستان به عنوان منشی عمومی کمیته مرکزی "ح.د.خ.ا."، در مقام رهبری حزب و رهبری دولت دارا هستید، قابل درک است. اما تمرکز بیش از حد قدرت در دست دیگران حتی نزدیکترین همکاران تان، تهدیدی خواهد بود به سرنوشت انقلاب. برای یک فرد، خیلی دشوار خواهد بود تا رهبری کشور، قوای مسلح و ادارات استخباراتی را به شکل انحصاری در دست خود داشته باشد". فورمول آزمایش شده دیکتاتورمابانه قدرت.

این هدایت واضح و روشنی بود که تره کی در مورد کنار زدن امین به دست می‌آورد. در واقعیت تره کی سوژه یک درامه سیاسی را به دست آورده، راضی ساخته شد تا این درامه در زنده گی واقعی اجرا شود. آنها تصمیم گرفتند تا از امین استفاده نموده نامبرده را مقصر و مسبب همه اشتباهات، کوتاهی ها و جنایات سیاسی و نظامی بدانند. تره کی قبل از پرواز به کابل با آ.و. پیتروف که در گذشته فرد رابط بین او و "ک.ج.ب." بود ملاقات نمود. زمانی که تره کی به قدرت رسید اعضای ریزیدنسی به شوخی اسم جدیدی به او (پیتروف) گذاشتند: نیکولای میخائیلیویچ ترکانوف. (ترکانوف اسم روسی است به معنای مادرکیکان).

هنگام مواصلت تره کی به کابل همه رهبران افغان در میدان هوایی جهت پذیرائی از او حضور به هم رسانیده بودند. تره کی به زودی دست به کار شد تا دساتیری را که از برژنف به دست آورده بود، عملی نماید. به تاریخ یازدهم سپتمبر مجلس وزراء دایر گردید. تره کی با خوشنودی زیادی از ملاقاتش با برژنف به مجلس گزارش داد، اما طبیعتاً از ذکر موضوعیکه محور مذاکره را تشکیل میداد [حذف امین از قدرت] خودداری نمود. او درباره کنفرانس کشور های عضو سازمان عدم انسلاک در هاوانا، دیدار و مذاکره با سران کشور های عضو و صحبت های خودش در

آنجا گزارش داد. در طول همان روز تره کی با پوزانوف نیز ملاقات نمود.

حوادث به تندی در حال شکل گرفتن بود.<sup>۱</sup>

به تاریخ سیزده ام سپتمبر پوزانوف، ایوانوف و گوریلوف از به وخامت گرائیدن روابط بین تره کی و امین به بیروی سیاسی کمیته مرکزی "ح.ک.ا.ش" چنین گزارش دادند

"به تعقیب ورود تره کی به کابل به تاریخ دوازدهم سپتمبر امین گزارشش را در رابطه با اوضاع در حزب و کشور به تره کی تقدیم داشت. امین تأکید نمود که در زمان غیابت تره کی سوءقصدی علیه او صورت گرفته است. امین از گلابزوی وزیر مخابرات، سروری رئیس آگسا، وطنجار وزیر امور داخله و شیرجان مزدوریار وزیر سرحدات به عنوان سازمان دهندگان این سوءقصد نامبرده، تقاضای برکناری و مجازات آنها را نمود. تره کی تلاش نمود تا امین را قانع سازد که اشخاص مذکور را عفو نموده قضیه را ختم شده بشمارد. اما امین به این پیشنهاد تره کی مخالفت ورزید."

تره کی موضعش را [در برابر امین] از قبل تعیین نموده بود. او به گزارش مفصل سروری گوش داده بود. در گزارش سروری آمده بود که منبع منازعات درون حزبی جز امین شخص دیگری نمیباشد.

به تاریخ سیزدهم سپتمبر تره کی از امین دعوت نمود تا غرض عادی ساختن اوضاع در حلقه رهبری، نزدش رفته به گفتگوهایشان ادامه بدهند. اما زمانیکه امین از موجودیت گلابزوی، وطنجار و مزدوریار در نزد تره کی اطلاع حاصل نمود به طور مطلق از این دعوت تره کی سر باز زد. تره کی به امین از طریق تلفون وعده داد که اشخاص مورد انتقاد او را برطرف نموده او را به مقام منشی عمومی کمیته مرکزی "ح.د.خ.ا." برگزیده اند. اما امین با وجود همه این حرفها حاضر نشد تا نزد تره کی برود.

امین بعد از صحبتش با تره کی، جانداد قومندان گارد و یعقوب لوی درستیز را نزدش طلبیده به آنها هدایت داد تا از اجرای اوامر تره کی خوداری نمایند. او اعلام نمود که پُست صدارت را ترک نموده، به حیث وزیر دفاع تعیین گردیده و بعد از این قوماندگی همه قوای مسلح را به دست خواهد داشت.

اسد الله امین یکی از نزدیکان حفیظ الله امین با معین وزارت خارجه و منشی کمیته حزبی شهرکابل "ح.د.خ.ا." در ساختمان کمیته شهر حزب اخذ موضع نموده بود. به تمام طرفداران امین دستور داده شد تا به وظایف شان ادامه داده با حفیظ الله امین و اسد الله امین تماس شانرا برقرار داشته باشند.

ساعت ۹ و ۳۰ بعد از ظهر سیزدهم سپتمبر اوضاع به وخامت گرائیده بود و این امکان که امین به نظامیان وفادار به خود دستور بدهد که بر علیه تره کی اقدام مسلحانه نمایند منتفی شمرده نمیشد. هر دو گروه سعی داشتند حمایت ما [شورویها] را به دست آورند. اما ما در آن زمان روی این نکته تأکید میورزیدیم که اوضاع در رهبری "ح.د.خ.ا." باید از طریق تشریک مساعی به حالت عادی برگردانده شود. ما در عین زمان تلاش مینمودیم تا افراد هر دو جناح را از اجرای حرکات عجولانه و ناسنجیده باز داریم."

در تلگرامیکه به اندروپوف فرستاده شده بود چنین آمده بود "تره کی بار دیگر تلاش نمود تا امین را وادار نماید تا به اقامتگاهش حاضر گردد ولی امین این تقاضای او را رد نموده اظهار داشت که نخست باید همه خواسته های او

برای معلومات بیشتر در همین ارتباط از آرشیف وزارت خارجه روسیه مراجعه شود به

Odd Arne Westad, "The Road to Kabul: Soviet Policy in Afghanistan, 1978-1979," in Westad, ed., *The Fall of* (ویرایشگر) *Détente* (Oslo: Scandinavian University Press, 1997), pp.127-130

برآورده شود در غیر آنصورت او دست به یک سلسله اقدامات خواهد زد. تره کی در جواب گفت که این دیگر یک توطئه است و بدین ترتیب جریان صحبت آنها قطع گردید.

ساعت ۷ و ۳۰ بعد از ظهر سیزدهم سپتمبر سروری، گلابزوی، وطنجار و مزدوریار به سفارت شوروی مراجعه نمودند. سروری به نماینده گی از تره کی تقاضا نمود تا یک گروه از رفقای شوروی با ما رفته در عملیات دستگیری امین با ما همکاری نماید. پیشنهاد فوق به این دلیل مطرح گردیده بود که در قوای گارد هواخواهان امین موجود بوده قوای گارد زیاد مورد اعتماد نمیباشد. ساعت ۹ و ۲۰ شب، ترون سریاور تره کی به سفارت شوروی تلفونی اطلاع داد که امین به اقامتگاه تره کی آمده و آندو سرگرم مذاکره اند. در جواب برای ترون گفته شد که تا یک ساعت دیگر سفیر شوروی پوزانوف، ی.گ. پاولوفسکی<sup>۱</sup> و ب.س. ایوانوف با تره کی و امین ملاقات خواهند نمود." تلگرام بعدی عنوانی برژنف، اندروپف و دیگر اعضای بیروی سیاسی "ح.ک.ا.ش" به امضای گروه چهار نفری - پوزانوف، پاولوفسکی، ایوانوف و گوریلوف - فرستاده شده بود. در این تلگرام آمده بود:

" بنا بر درخواست بیروی سیاسی ما به تاریخ سیزدهم سپتمبر ساعت نه صبح به وقت مسکو با تره کی در محل اقامتش در خانه خلق ملاقات نمودیم. بنا بر درخواست ما او از حفیظ الله امین که در اطاق مجاور حضور داشت نیز دعوت نمود تا به صورت فوری نزد ما بیاید. آنها با دقت تمام به پیامهای رهبری شوروی، بیروی سیاسی و رفیق برژنف گوش دادند. تره کی گفت این یک پیام خیلی جالبی است و فرستادن این پیام از طرف رفقا و برادران شوروی ما امریست کاملاً طبیعی. ما خواهان وحدت و همبستگی هستیم ولی بعضی اوقات مسائلی پیش میآید که طلب غور و بررسی بیشتر را میکند. در زمان انقلاب، بروز همچو حوادث امریست عادی و معولی که حل و فصل آن نیز ساده است. من از رهبری شوروی به خاطر پیام مختصر، اما پر محتوا و ژرف شان که در یک زمان نهایت مناسب به دست ما رسیده است، تشکر میکنم. با وجودیکه حرفها درباره موضوع حاضر زیاد است اما جواب ما به آنها [رهبران شوروی] نیز خیلی مختصر است."

در ادامه این تلگرام آمده بود " امین اعلام نمود که او با تمام حرفهای که گفته شد موافق است. حتی در بهار ۱۹۷۸ زمانی که او رفیق گرومیکو وزیر امور خارجه شوروی را ملاقات نموده بود برایش گفته بود که رفیق تره کی رهبر قانونی حزب است و او ( امین ) افتخار دارد که شاگرد وفادار تره کی است. اگر او قبل از تره کی بمیرد با درک این مطلب خواهد مُرد که ماموریتش را تکمیل کرده است ولی اگر تره کی قبل از او بمیرد در آنصورت او ( امین ) همه مساعیش را در تعقیب نمودن راه استادش به خرج خواهد داد."

"ما در جریان گفتگو های بعدی اظهار نمودیم که کلید مغلوب ساختن دشمنان انقلاب و ایجاد جامعه نوین در کشور، حفظ وحدت در حزب و رهبری کشور است. تره کی موافقه اش را با این موضوع ابراز نموده گفت در جریان ملاقات با رفیق ل.ا. برژنف در مسکو به تاریخ دهم سپتمبر، نامبرده او را به ضرورت یکپارچگی در حزب و رهبری دولت متقاعد ساخته است. بعداً تره کی از رفیق پاولوفسکی تقاضا نمود تا از پیشرفت در عملیات نظامی برایش بگوید.

---

۱ معاون وزیر دفاع و قومندان قوای زمینی اتحاد شوروی. او در سال ۱۹۶۸ اندکی قبل از لشکرکشی شورویها Gen. Ivan G. Pavlovskiy به چکوسلواکیا، در رأس یک هیأت به آنکشور مسافرت نمود. او که در سال ۱۹۷۱ هفتاد و یک سال عمر داشت مقام ریاست هیات نظامی شوروی در افغانستان را عهده دار بود. (ویرایشگر)

ما بعداً اطلاع حاصل نمودیم که قبل از رسیدن ما نزد تره کی، حفیظ الله امین به موافقه خودش آنجا رفته بود. آنها آشکارا با هم مذاکره نموده به موافقه رسیده بودند".

شب ۱۳ بر ۱۴ سپتمبر در اقامتگاه تره کی به راحتی گذشت. تره کی با امین تا ساعت یک شب به وقت محلی مؤرخ چهارده سپتمبر در اطاق شخصی رئیس شورای انقلابی نشسته بود. نظر به گفته جانناد [قومندان گارد خلق] امین بعداً راهی منزل خودش گشته بود. صبح روز چهاردهم سپتمبر گارد خلق که وظیفه حفاظت اقامتگاه تره کی را به عهده داشت از حالت آماده باش، بیرون ساخته شد. اجازه رفتن به شهر برای اعضای گارد از سیزدهم سپتمبر داده نشده بود و تره کی و امین توسط واحد های تقویتی محافظین شخصی شان محافظت میشدند.

وزراء [سروری، گلابزوی، وطنجار و مزدوریار] از ساعت ۷ و ۳۰ تا ۱۱ و ۵۵ شام در سفارت شوروی بودند. آنها خلاف توصیه تره کی شب را در منازل شخصی شان نگذشتانده، بلکه در محلات مخفی شب را سپری نمودند.

طوریکه حوادث شب ۱۳ بر ۱۴ سپتمبر نشان میدهد نامه رهبری شوروی عنوانی تره کی و امین که توسط پوزانوف، پاولوفسکی و ایوانوف به آنها داده شده بود نقش مهمی را در ایجاد تفاهم و آشتی بین آنها بازی نموده بود. شروط موافقت نامه حاصله بین تره کی و امین تا اکنون واضح نشده است. اما میشود چنین استدلال نمود که امین از دست زدن به اعمال خصمانه خودداری ورزیده باشد زیرا او میدانست که شوروی با هر عملیکه علیه یکپارچگی در "ح.د.خ.ا." باشد و به وخامت اوضاع بینجامد، مخالفت خواهد ورزید. قرار گفته جانناد "ملاقات تره کی و امین با رفقای شوروی شان باعث کاهش تنش بین دو رهبر گردید".

به ساعت ۱۲ و ۳۰ مؤرخ ۱۴ سپتمبر ب.س. ایوانوف و ل.پ. بودگانوف با امین بنابر درخواست خودش در وزارت دفاع ملاقات نمودند. امین در جریان این ملاقات گفت "ساعت ۱ و ۳۰ قبل از ظهر ۱۳ سپتمبر او با تره کی در باره اوضاع در رهبری کشور صحبت تلفونی داشته است. امین اصرار نموده بود تا چهار تن از وزراء به دلیل طرح توطئه و فعالیت‌های فرقه ئی ضد حزبی باید از وظایف شان سبکدوش گردند". تره کی با این پیشنهاد مخالفت ورزیده پیشنهاد نمود تا وطنجار به حیث وزیر دفاع و مزدوریار به حیث وزیر امور داخله تعیین گردند. امین با این پیشنهاد تره کی مخالفت ورزیده و تقاضای دایر شدن پلینوم کمیته مرکزی و یا یک جلسه اضطراری شورای انقلابی را نموده بود.

تره کی اظهار نموده بود که او قصد ندارد تا چنین جلساتی را دایر نماید، بلکه او شخصاً میخواهد با همان قدرت و اختیاراتیکه برایش داده شده است، عمل کند. تره کی امین را متهم به نافرمانی نموده تهدید کرد که او را از همه وظایفش سبکدوش خواهد کرد.

امین شام روز سیزدهم سپتمبر به اقامتگاه تره کی رفت. او از پناه بردن چهار وزیر به سفارت شوروی اطلاع حاصل نموده بود. تره کی از طریق ترون به وطنجار تلفون نموده چیزهایی به او گفته بود. امین بعداً به وطنجار تلفون نموده گفت "چرا فرار نموده ای؟ میخواهی مخفی شوی؟ و با این حال شما خود را قهرمانان انقلاب هم مینامید؟".

وطنجار در جواب گفته بود که هر چهار آنها صحبت تره کی و امین که ساعت ۱ و ۳۰ صورت گرفته بود را به مثابه رد تقاضای رئیس [شورای انقلابی] از طرف صدراعظم [امین] پنداشته، حیات شان را در خطر دیدند.

در طول شام و حتی تا ساعت یک بعد از ظهر روز ۱۴ سپتمبر تره کی و امین به مذاکره پرداخته، خواستند به تفاهم برسند. تره کی باکنار زدن سروری و گلابزوی موافقه نمود ولی روی تعیین شدن وطنجار و مزدوریار در مقامهای



دیگر اصرار ورزید. روی این موضوع که چی کسی رئیس آگسا گردد نیز مشاجره صورت گرفت تره کی میخواست عزیز اکبری را به این پست بگمارد ولی امین روی ترون پافشاری مینمود.

صبح روز ۱۴ سپتمبر امین باردیگر روی برکناری چهار وزیر پافشاری نمود ولی تره کی به تلاشش جهت گماشتن وطنجار و مزدوریار به وظایف جدید اصرار ورزید. او امین را به نافرمانی متهم نموده احضار شدن او را تقاضا نمود. امین گفت تره کی از او تقاضا نموده بود تا بدون محافظینش و بدون اسلحه نزدش برود. امین از این حرفها اینطور استنباط کرده بود که حیاتش در معرض خطر قرار دارد. او به ایوانوف و بودگانوف مراجعه نموده طالب نظر آنها در این مورد شد که چگونه عمل کند. او این نظر را غرض بررسی مطرح نمود که: اگر او به اقامتگاه تره کی برود کشته خواهد شد. امین گفت حاضر است از همه وظایفش استعفا بدهد، کشور را ترک گوید و به اتحادشوروی برود و یا اگر رفقای شوروی فکر میکنند که نبود او به نفع انقلاب است حاضر است انتحار نموده به حیاتش خاتمه بخشد. هر چند او میتواند تره کی را در منزلش تحت نظارت قرار داده، با استفاده از آدرس تره کی دست به اجرآتی بزند. او میتواند در مشوره با رفقای شوروی خود دست به اقدامات بعدی در جهت نورمال ساختن اوضاع بزند.

امین تاکید نمود که او خود را وقف اتحاد شوروی و حزب کمونیست آنکشور نموده حاضر است هر طوریکه رفقای شوروی بخواهند، عمل کند. او از پوزانوف، ایوانوف، پاولوفسکی، گرویلیوف و بودگانوف تقاضا نمود تا درباره سه پیشنهاد فوق او غور نموده، روی آن با مسکو مشوره نموده و تا ساعت ۵ بعد از ظهر (۳ و ۳۰ به وقت مسکو) ۱۴ سپتمبر برایش از نظر خود اطلاع بدهند. امین خواست اینرا تفهیم کند که اوصرفاً زمانی با تره کی آشتی خواهد کرد که رئیس شورای انقلابی به شرایط او بدون کدام قید و شرط گردن نهد.

آنها (پوزانوف، پاولوفسکی، گرویلیوف و بودگانوف) از طرف خود پیشنهاد نمودند تا امین باید مطابق نامه شخص ل.ا. برژنف رهبر شوروی کوشش نماید تا وضع در رهبری را نورمال ساخته از وخیمتر شدن آن جلوگیری کند.

ساعت ۵ و ۲۰ بعد از ظهر روز ۱۴ سپتمبر تلگرام ذیل از طرف ریزدنت از کابل به مسکو مواصلت نمود " نظر به معلوماتیکه به افراد ما توسط عزیز اکبری رئیس آگسا داده شده است، حفیظ الله امین صدراعظم "ج.د.ا." صبح روز ۱۴ سپتمبر به عزیز اکبری دستور داده است تا به حیث رئیس آگسا ایفای وظیفه نماید. بعداً اکبری نظر به دستور حفیظ الله امین با اسد الله امین معاون وزارت خارجه جهت دریافت هدایات بیشتر ملاقات نمود. در مدخل وزارت خارجه اکبری را خلع سلاح نموده به طور کامل تلاشی کرده بودند. اسد الله امین یکی از اقارب نزدیک حفیظ الله امین به عزیز هدایت داده بود که به وظیفه اش ادامه داده و بدون اجازه از عمارت آگسا خارج نشود. در پاسخ به این سؤال اکبری که آیا او اجازه دارد تا با رفقای شوروی ملاقات کند یا خیر؟ اسد الله امین گفته بود که بلی او باید اینکار را بکند. همچنان او به اکبری گفته بود که یک توطئه توسط گروپ وطنجار - گلابزوی به راه انداخته شده است و آنها به ترور متوسل شده اند که این عمل شان اعضای وفادار "ح.د.خ.ا." را وادار به اخذ تصمیم قاطع نموده است.

اسد الله امین، فقیر معاون وزیر امور داخله و سایر افراد نزدیک به صدراعظم [ حفیظ الله امین ] در وزارت خارجه موضع گرفته تماس شانرا با ولایات حفظ نموده، مشغول دادن دساتیر به والیان ولایات بودند. عزیز اکبری علاوه نمود اگر اقدامات عاجل و قاطعی برای از بین بردن امین گرفته نشود در آنصورت ما شاهد کشتار تعدادی زیادی از اعضای "ح.د.خ.ا." و همچنان تغییراتی در کدر رهبری ارگانهای استخباراتی خواهیم بود. به دستور امین کارمندان سیاسی و قومندانان قطعات مرکز دستگیر شده افراد وفادار به امین جاگزین آنها شدند".

به تاریخ ۱۵ سپتمبر پوزانوف، پاولوفسکی، ایوانوف و گریلوف، تلگرامی را دربارهٔ اوضاع در کابل به بیروی سیاسی فرستادند. " ما شام ۱۴ سپتمبر صحبتی داشتیم با امین که دو نیم ساعت طول کشید. صحبت ما در مطابقت کامل با هدیای رهبری شوروی، بیروی سیاسی و ل.ا. برژنف صورت گرفت.

امین به تندی دربارهٔ تره کی حرف میزد و او را متهم میساخت که در زمانهای مختلف، خصوصاً صبح همان روزیکه امین به خانهٔ خلق جهت دیدن تره کی و ما آمده بود تلاش نموده است تا او [ امین ] را از بین ببرد. زمانیکه امین در خانه خلق از زینه ها بالا شده و به طرف دفتر تره کی روان بود، یکی از یاوران تره کی بالائی ترون، سریاور رئیس شورای انقلابی و او آتش گشود. در این جریان ترون و یکی از محافظین صدراعظم [ امین ] به قتل رسیدند."

"امین در زمانیکه با ما سرگرم صحبت بود کودتایش را اجرا نمود. شام همان روز مقرری های جدید اعلام شد. امین اظهار داشت که تره کی باید بنابر معاذیر صحی به شکل داوطلبانه طی پلینوم کمیتهٔ مرکزی از پُست منشی عمومی حزب استعفاء بدهد. در آنصورت او میتواند در پُست ریاست شورای انقلابی باقی بماند. ما با جدیدیت مخالفت خود را با کنار رفتن تره کی ابراز نمودیم. اما امین هنوز هم روی طرح خودش تاکید نموده گفت حزب و قوای مسلح هرگز خونهای که توسط چهارتن از وزرا ریختانده شده است و توسل جوئی های تره کی به ترور را، فراموش نخواهد کرد."

امین گفت که فردا یعنی ۱۵ سپتمبر یک همایش علیهٔ تره کی صورت خواهد گرفت که در آن افسران قوای مسلح خواهان انتقام گیری [ از تره کی و هواخواهان ] خواهند شد. ما با وجود دلایل منطقی و پافشاری زیاد نتوانستیم تا امین را تشویق کنیم که تره کی به پُستهای منشی عمومی کمیتهٔ مرکزی حزب و ریاست شورای انقلابی ابقاء گردد. امین اعلام نمود که اگر تره کی به شکل داوطلبانه از پُست منشی عمومی حزب کنار برود، در آنصورت او حاضر است تا مصونیت، عزت و مقام ریاست شورای انقلابی را برای نامبرده ضمانت نماید. ما تاکید نمودیم که باید از راه پیمائی و دستگیری هائیکه باعث وخامت اوضاع خواهد شد، جلوگیری گردد. امین نیز به این موضوع موافقت نمود که حداقل در شرایط حاضر چنین یک راه پیمائی صورت نگیرد.

ما به توافق رسیدیم که صبح فردا ۱۵ سپتامبر با امین به صحبت های ما ادامه دهیم."

صبح روز ۱۵ سپتامبر ساعت ۹ به وقت محل، رئیس جدید التقرر آگسا عزیز اکبری، بودگانوف را به یک ملاقات عاجل در آگسا فراخواند. نامبرده با صمیمیت اظهار داشت که حفیظ الله امین منشی کمیتهٔ مرکزی "ح.د.خ.ا." و صدراعظم به تاریخ ۱۳ و ۱۴ سپتمبر کودتائی را اجرا نموده که طی آن موصوف توانسته است بالاخره قدرت حزبی، دولتی، رهبری قوای مسلح و ارگانهای استخباراتی را در دست خود متمرکز سازد.

در این میان تره کی منشی عمومی و رئیس شورای انقلابی در محل اقامت اش توسط افراد گارد خلق تحت رهبری جانداد که معلوم گردید از افراد وفادار به امین است، تحت نظارت قرار دارد. ارتباط تره کی با بیرون در جریان شب ۱۴ بر ۱۵ سپتمبر قطع گردید. تره کی به عزیزی گفته است " من در انزوا قرار گرفته ام و هیچ نوع قدرتی ندارم که اقدامی نمایم. این صرف مداخله و شفاعت اتحاد شوروی است که میتواند من را نجات دهد ولی واضحاً که رفقا شوروی نیز مرا نجات نخواهند داد. زیرا آنها به عکس العمل ایالات متحده در اینباره می اندیشند. من به حزب و مردم صادق بوده ام.

فرزندم اگر ما دیگر نتوانستیم یکدیگر را ببینیم، خداحافظ."

مسکو در اینمورد سریعاً از خود واکنش نشان داده قرار مصوبه ۶ / ۱۶۸ مورخ ۱۵ سپتمبر ۱۹۷۹ کمیته مرکزی "ح.ک.ا.ش"، پوزانوف، پاولوفسکی، ایوانوف و گوریلوف وظیفه گرفتند تا با امین ملاقات نمایند. آنها باید نظر جانب شوروی را به امین اظهار داشته خاطر نشان میساختند که رهبری شوروی نمیخواهد تا تره کی محکوم گردد. همچنان رهبری شوروی میخواهد تا از هر نوع اقدام سرکوب گرانه علیه تره کی، اقاربش و حامیان موصوف جلوگیری به عمل آید.

پلینوم کمیته مرکزی "ح.د.خ.ا" به تاریخ ۱۶ سپتمبر دایر گردید. تره کی از مقامش به عنوان منشی عمومی حزب کنار زده شده و امین به جایش انتخاب گردید. این پلینوم در عمارت وزارت دفاع در یک اتاقی که در مجاورت دفتر مشاورین نظامی شوروی قرار داشت، دایر گردید. به مجرد ختم شدن پلینوم، شاه ولی به دفتر پاولوفسکی و گوریلوف رفته به آنها اطلاع داد که تره کی از همه وظایفش کنار زده شده و امین به عنوان منشی عمومی حزب به جای موصوف انتخاب گردیده است. فیصله های پلینوم رای مثبت ۲۶ تن از جمله ۳۱ تن حاضر را با خود داشت.

امین بعداً با پاولوفسکی ملاقات نموده اعلام داشت که او به عنوان منشی عمومی حزب انتخاب شده است. او همچنان علاوه نمود که قرار است به ساعت ۳ بعد از ظهر، جلسه شورای انقلابی "ج.د.ا." دایر شود و در آن شخص او به عالیترین مقام دولتی در کشور انتخاب گردد.

به تاریخ شانزدهم سپتمبر شاه ولی وزیر امور خارجه، سفیر شوروی پوزانوف را به دفترش احضار نموده و مراتب آتی را رسماً به اطلاع وی رسانید: براساس فیصله پلینوم کمیته مرکزی "ح.د.خ.ا." تره کی از پست منشی عمومی حزب کنار زده شده و از کمیته مرکزی و بیروی سیاسی اخراج شده است. همچنان تره کی بنابر داشتن فعالیت‌های تروریستی، قتل شش تن [ احتمالاً آنهاست که در خانه خلق توسط محافظین تره کی به قتل رسیدند ] و تلاش برای از بین بردن حفیظ الله امین و ارتکاب جرایم دیگر، از حزب نیز اخراج گردیده است. حفیظ الله امین به مقام منشی عمومی انتخاب شده است. شرح جریانات فوق به عین شکل در یاداشتهای روز ۱۹ سپتمبر پوزانوف نیز آمده است. جریانات داغ حوادث باعث گردید تا این یاداشتها در زمانش ثبت دفتر نگردیده بلکه بعداً در ماه اکتوبر توسط دب.رئیوریکوف<sup>۱</sup> سکرتر اول سفارت که در عین زمان وظیفه ترجمانی را نیز به عهده داشت، به نام پوزانوف نوشته شود.

" بنابر هدایت مرکز به تاریخ ۱۳ سپتمبر سال ۱۹۷۹ سفیر شوروی ی.گ.پاولوفسکی، ب.س.ایوانوف و ل.س.گوریلوف با تره کی در محل اقامتش ملاقات نمودند. تره کی بنابر تقاضای ما از امین تقاضا نمود تا او نیز نزد ما بیاید. از جانب ما گفته شد که رهبری شوروی توقع دارد تا رهبران افغانی مسئولیت سترگی را که در برابر انقلاب دارند، از خود تبارز بدهند. ما اظهار نمودیم که آنها [ افغانها ] باید مانع انشعاب گردیده از یک موضع واحد وارد عمل گردند. تره کی با ابراز امتنان گفت " این یک پیام مختصر اما عمیق و جامعیت که در یک زمان مناسب به دست ما میرسد. ما از وحدت و یکپارچگی حمایه میکنیم ولی بعضی اوقات مسایلی پیش میاید که باید حل و فصل گردد".

امین گفت " تره کی رهبر شناخته شده حزب است و من افتخار دارم که شاگرد او میباشم. اگر من قبل از تره کی بمیرم، به این آگاه خواهم بود که وظیفه و مسئولیت خود را انجام داده ام. اما اگر تره کی از خدمت به کشورش دست بردارد،

D. B. Ryurikov

در آنصورت او [ امین ] به عنوان شاگرد وفادار تره کی همه تلاشش را به خرچ خواهد داد که به راه استادش ادامه دهد".

"ما بار دیگر به تاریخ ۱۴ سپتمبر با تره کی در اقامتگاهش در خانه خلق ملاقات نمودیم. از جانب ما گفته شد که اوضاع بار دیگر به وخامت گرائیده و ایجاب یکپارچگی را در داخل رهبری حزب و دولت مینماید. تره کی از ل.ا. برژنف و دیگر رهبران شوروی برای توجهی که آنها به سرنوشت انقلاب در افغانستان ابراز داشته اند، ابراز سپاس و امتنان نموده به مخالفتش با امین اشاره نموده چنین لب به سخن گشود.

مدتها قبل من مشاهده نموده بودم که امین متمایل است تا تمام قدرت را در دست خود متمرکز سازد ولی من به این موضوع زیاد توجه ننمودم. اما در این اواخر این تمایل او شکلی خطرناکی را بخود گرفته است."

امین در برابر انتقادات و اکنش شدیدی از خود نشان داده مانع افرادی میشود که میخواهند از او انتقاد کنند. او حتی از ترور افرادی که بخواهند از او انتقاد کنند نیز صرفه نمیکند. امین در مورد نقشش در به راه انداختن انقلاب و رهبری آن از اغراق کار گرفته در مورد شخصیت خود مبالغه میکند. او در درون دولت چنان فضائی را ایجاد نموده است که وزراء جرأت این را ندارند تا خلاف او حرفی بزنند و یا آزادانه اظهار نظر کنند. امین پُستهای زیادی را به اقارب و نزدیکان خود در حزب و دولت داده است. اسدالله امین برادرزاده نامبرده نه پُست را در عین زمان در ادارات مختلف دولتی و حزبی دارا میباشد. آنطوری که در زمان شاه و محمد داوود معمول بود اکنون نیز این فقط یک خانواده است که کشور را اداره میکند. در شرایط کنونی به یک رهبر واقعی ضرورت است تا حزب را رهبری کند نه به یک دیکتاتور. تره کی گفت "قبل از اینکه من کشور را به قصد هاوانا ترک کنم مشکوک شده بودم. زیرا امین بیش از حد پافشاری مینمود تا من به آنجا بروم. او تأکید مینمود تا شخص رهبر دولت باید در این کنفرانس حضور داشته باشد. به هر حال من شک و تردید هایمرا کنار گذاشته به هاوانا رفتم. البته امین از رفتن با من خودداری نمود. زمانیکه من از هاوانا برگشتم توسط اسدالله سروری رئیس آگسا از سه دسیسه که توسط امین طرح شده بود اطلاع یافتم. هرباریکه سروری با امین در این مورد صحبت مینمود، دسایس دفع میگردید. در واقعیت امین دانسته بود که پلانیهایش افشاء شده است بناءً به افراد خود دستور میداد تا از طرح این دسایس دست بردارند.

هرچند امین در جلسه شورای وزیران اوضاع در کشور را آرام خواند اما در ختم جلسه نزد من آمده خواهان آن شد تا چهارتن از وزراء، هریک محمد اسلم وطنجار، سید محمد گلابزوی، شیرجان مزدوریار و اسد الله سروری رئیس آگسا یا باید دستگیر گردند و یا هم باید به صورت عاجل تحت نام سفیر به خارج از کشور فرستاده شوند. من به صورت قاطع این حرفهای او را رد کرده تکراراً خواهان مصالحه بین طرفین گردیدم."

امین فردای آنروز یعنی سیزده ام سپتمبر بار دیگر همان خواسته قبلی خود را مطرح کرد. این بار گفتگوی ما لحن تندتری را به خود گرفت. به امین گفتم که من اجازه نخواهم داد تا رفقای من تحت فشار قرار بگیرند. ضمناً او باید بداند که این چهار وزیر را او مجبور میسازد تا مخفی شوند. زیرا آنها توسط افراد وفادار به او [ امین ] مورد آزار و اذیت قرار میگیرند.

از قضایا چنین برمیآید که امین در فکر طرح یک دسیسه است. نامبرده در برابر این گفته من که او باید از اوامر من که سرقومندان اعلی قوای مسلح و رئیس شورای انقلابی هستم پیروی کند، لبخند زنان گفت که من اشتباه میکنم زیرا قوای مسلح تحت قومانده و امر او قرار دارد. در واقعیت هم امین قومانده قوای مسلح را به دست خودش میگیرد. او به کمک افراد وفادار به خود در کمیته حزبی شهرکابل، تدابیر اضافی را در جهت کنترل شهر اتخاذ میکند که البته در

چنین اوضاع و احوال امکان یک درگیری را نمیتوان بعید شمرد. خوب به هر حال من مانند گذشته حاضرم با امین همکاری کنم مشروط بر اینکه او به سیاستهای سرکوبگرانه اش خاتمه بخشد.

از جانب ما [ شورویها ] به تره کی گفته شد که معقول این خواهد بود تا او از امین دعوت کند که در جلسه امروزی ما، مانند دیروز شرکت نماید. تره کی فوراً این پیشنهاد ما را پذیرفته به امین تلفون نموده و او را دعوت نمود. امین در جواب گفت حاضر است با خوشی کامل به این ملاقات بیاید.

در جریانیکه ما انتظار امین را میکشیدیم ب.س. ایوانوف گفت شایعاتی وجود دارد که دستور داده شده است تا به مجرد داخل شدن امین به خانه خلق بالایش آتش گشوده شده به قتل رسانیده شود. اما تره کی این موضوع را رد نمود.

دقایق بعد آواز شلیک ماشیندارها از آنطرف دروازه دفتر تره کی بلند شد. رفیق ل.ن. گوریلوف به نزدیک کلکین رفت. او امین را مشاهده نمود که در حال دویدن در کنار دیوار کاخ بود.

در این هنگام یاور تره کی به اطاق داخل شده اینطور گزارش داد: امین با محافظین خود از زینه ها به بالا آمده بود در جلو آنها سید داود ترون سرباور تره کی [یکی از هواخواهان امین] و یکی از محافظین امین به نام وزیر قرار داشت. ترون گفت دیگر به محافظین احتیاجی نیست و آنها میتوانند بروند و اما محافظین امین این حرف را نپذیرفتند. در این هنگام ترون بالای یکی از آنها آتش گشود ولی خودش به قتل رسیده وزیر، محافظ دیگر امین مجروح گردید.

با استماع این گزارش تره کی به امین تلفون نمود و آنچه را که واقع شده بود نتیجه سوءتفاهم بین محافظین خواند. تره کی زمانیکه گوشی تلفون را گذاشت این حادثه را یک عمل تحریک آمیز خواند.

بادر نظر داشت حالت پیش آمده فیصله شد تا ما به صورت عاجل با امین ملاقات نمائیم که این تصمیم ما مورد تأیید تره کی نیز قرار گرفت. ما از دفتر تره کی با امین تلفونی تماس گرفتیم و برایش گفتیم که ما چهارتن میخواستیم با او به طور عاجل ملاقات کنیم. امین در جواب گفت که او با خوشی تمام انتظار دیدن ما را میکشد.

در بیرون از دفتر تره کی در دهلیز یک ماشیندار در مقابل زینه ها روی زمین افتاده بود و از محافظین دیگر خبری نبود. زمانیکه ما از زینه ها به پائین رسیدیم چشم ما به جسد ترون افتاد که نقش زمین شده بود. قسمتهای سر و سینه او مورد اصابت چندین گلوله قرار گرفته بود.

راننده موترسفر شوروی که در کنار موتر انتظار ما را میکشید به ما گفت که ترون قبل از رسیدن امین، نزدش رفته و با او احوال پرسی نموده بود. با مواصلت امین، ترون نزد او رفته بعداً هر دو یکجا در حالیکه از طرف چهار و یا هم پنج تن محافظت میشدند به طرف دفتر تره کی روان شدند. راننده سفیر شوروی افزود: دقایق بعد آواز شلیک گلوله ها به گوش آمد، امین را دیدم که با محافظینش در حالیکه یکی از آنها مجروح شده بود، با شتاب به طرف موترها میدوید. آنها با سرعت اینجا را ترک گفتند. در این حادثه آنده از محافظین که در بیرون انتظار امین را میکشیدند دخیل نشده بودند".

ادامه دارد